

اعتقاد به ولایت و التزام عملی شیعیان

دکتر احمدرضا مفتاح*

اشاره

روایات فراوانی در باره ضرورت اعتقاد به ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و نیز فضایل شیعیان ایشان وجود دارد؛ از جمله اینکه به آنان بشارت آمرزش گناهان و رسیدن به رستگاری داده شده است. از سوی دیگر، روایات متعدد دیگری داریم که با عنوان «اوصاف الشیعه» نام گذاری شده است. این دسته روایات، اوصاف شیعه حقیقی را بر شمرده‌اند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم، این است که زمینه صدور این دو دسته روایت، متفاوت بوده و همان گونه که قرآن با قرآن تفسیر می‌شود، در مورد روایات نیز باید همین کار را انجام دهیم. در واقع، می‌توان گفت این دو دسته احادیث، جنبه تبشیر و انذار دارند و باید با هم در نظر گرفته شوند.

متأسفانه، مبلغان ما بیشتر به بیان روایات بشارت‌دهنده می‌پردازند و در نتیجه، گاه روایاتی که جنبه انذار دارد و بر انجام عمل صالح و دستورات اخلاقی تأکید دارد، تحت الشعاع احادیث مربوط به فضایل قرار می‌گیرد. از این رو، ممکن است برخی مخاطبان دچار توهم شوند که به صرف شیعه بودن و انتساب به ولایت می‌توان به نجات رسید. به قول شهید مطهری: «بدبختانه، در اعصار اخیر فکر مرجئه در لباس دیگری در میان عوام شیعه نفوذ کرده است. گروهی از عوام شیعه، صرفاً انتساب ظاهری به امیر المؤمنین علیه السلام را برای نجات کافی می‌شمارند. گمان می‌کنند اعمال بد و گناهان شیعه همه بخشیده خواهد شد و به نظر می‌رسد آنچه هیچ ارزشی ندارد، عمل است و شرط کافی برای سعادت، فقط این است که خود را شیعه بنامد و بس.»^۱

* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی؛ مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۲۸ و ۲۳۰.

مرجئه می‌گفتند: «هیچ معصیتی، به ایمان ضرر نمی‌رساند.»^۱ زید بن علی در باره این عقیده می‌گفت: «این نظر، فاسقان را به عفو خدا طمع‌کارتر کرده است.»^۲ استاد مطهری رحمته‌الله می‌گوید: «بعضی از جهال شیعه نیز که راجع به ولایت و محبت اهل بیت گمان کرده‌اند با محبت به امیر مؤمنان، هیچ گناهی [به آنها] ضرر نمی‌رساند، همین تأثیر را در اجتماع گذاشته‌اند؛ یعنی طمع گناهکاران به عفو خدا را بیشتر کرده‌اند.»^۳

به این ترتیب، برای آنکه از یک برداشت افراطی و توهم‌انگیز که با سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام سازگاری ندارد، جلوگیری شود، به‌جا است که ضمن توجه به روایات مربوط به فضایل شیعه، به آیات و روایاتی که به ارزش و اهمیت عمل تأکید نموده‌اند نیز توجه کنیم. در این نوشتار، ابتدا به فضایل اعتقاد به ولایت اشاره می‌کنیم و پس از آن، به اهمیت التزام عملی می‌پردازیم و در پایان، وجه جمع بین روایات را بیان می‌نماییم.

فضایل اعتقاد به ولایت

در بخش مربوط به فضایل، چند دسته روایت وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. روایاتی که شرط صحت و قبولی اعمال را التزام به ولایت ائمه می‌داند و عمل صالح بدون ولایت را بی‌فایده می‌شمارد. در حدیث معروف زراره، به نقل از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «بَنِي الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ؛ اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. زراره از حضرت می‌پرسد: کدام یک افضل است؟ امام می‌فرماید: ولایت، افضل است؛ زیرا ولایت، کلید آنها است.»

در ادامه حدیث، به ترتیب، فضیلت هر یک از آنها بر شمرده شده و در پایان، حضرت در باره اهمیت ولایت می‌فرماید: «اگر مردی شب‌ها را به عبادت سپری کند و روزها را روزه بدارد و تمام اموالش را صدقه بدهد و در تمام عمرش حج را به جا آورد، اما ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، برای او در ثواب خدای بلندمرتبه حقی نیست و او در شمار اهل ایمان نیست. سپس

۱. امین، احمد، فجر الاسلام، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۹۶۵م، ص ۲۹۲.

۲. همان، ص ۲۹۳.

۳. مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ش، ج ۶، ص ۲۸۱.

فرمود: خدا نیکوکاران از ایشان (اهل ولایت یا مخالفان مستضعف) را به یمن رحمت خود در بهشت وارد کند.^۱

همچنین در برخی روایات، ولایت امیر مؤمنان علیه السلام از جمله مواردی است که مسلمانان باید در روز قیامت پاسخ‌گوی آن باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که در روز قیامت، [پل] صراط بر روی جهنم نصب می‌شود، از آن کسی عبور نمی‌کند، مگر اینکه جواز عبوری داشته باشد که در آن، ولایت علی بن ابی‌طالب باشد و این، همان سخن خدای تعالی است که: «وَقَفُّهُمْ إِيْتَهُمْ مَسْئُولُونَ»؛ یعنی باید نسبت به ولایت علی بن ابی‌طالب پاسخ‌گو باشند.^۲

۲. روایاتی که رستگاری را از آن شیعیان می‌داند و به محبان حضرت علی علیه السلام صریحاً وعده بهشت می‌دهد؛ مانند این حدیث که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر شانه حضرت علی علیه السلام زد و فرمود: «هَذَا وَ شِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۳ در روایت دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «تو و شیعیانت در روز قیامت وارد می‌شوید؛ در حالی که هم شما خشنود هستید و هم خدا از شما خشنود است.»^۴ همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره اهل بیت می‌فرماید: «کسی که آنان را دوست بدارد و به آنان اقتدا کند، فوز و رستگاری عظیمی نصیب او می‌شود و نجات می‌یابد.»^۵

و یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «... آگاه باشید، کسی که علی علیه السلام را دوست بدارد، ملائکه برای او طلب مغفرت می‌کنند و درهای هشت‌گانه بهشت به روی او گشوده شود... آگاه باشید، هر که علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند او را از آتش جهنم برهاند.»^۶

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۸: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَا يَأْتِ وَلِيَّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ، مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ...»

۲. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم: دار النقا، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۰: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ جَوَازٌ فِيهِ وَلَا يَأْتِ عَلَيْهِ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ.»

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۳۴۶؛ همان، ج ۷، ص ۱۷۹؛ همان، ج ۳۷، ص ۲۱۷؛ همان، ج ۶۸، ص ۶۷؛ همان، ج ۳۸، ص ۹۵؛ همان، ج ۴۰، ص ۲۶.

۴. همان، ج ۳۵، ص ۳۴۷: «تَأْتِي أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَاضِينَ مَرْضِيينَ.»

۵. همان، ج ۳۶، ص ۳۲۲: «فَمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ اقْتَدَى بِهِمْ فَازَ وَ نَجَا.»

۶. همان، ج ۲۷، ص ۱۱۴: «أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا اسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ.»

۳. روایاتی که محبت اهل بیت را مشمول آمرزش الهی می‌داند و آمرزش گناهان دوست‌داران اهل بیت را، ثمره محبت آنان می‌شمارد: «امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانش می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «محبت ما اهل بیت، گناهان را می‌پوشاند و حسنات را چند برابر می‌کند و خداوند ستم‌های محبت‌ان ما اهل بیت را بر عهده می‌گیرد؛ مگر در جایی که به مؤمنان ضرر رسانده و ظلم کرده باشند.»^۱ همچنین در روایت دیگری وارد شده: «خداوند حیا می‌کند امتی را عذاب کند که به امامی که منصوب از طرف خدا است، ملحق شده باشد؛ هرچند در میان اعمال این امت، اعمال ناصواب و خطا وجود داشته باشد.»^۲

۴. روایاتی که شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را شامل حال کسانی می‌داند که به اهل بیت محبت داشته باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به محبت ما اهل بیت، ملتزم باشید. کسی که روز قیامت خدا را ملاقات کند، در حالی که ما را دوست داشته باشد، به موجب شفاعت ما وارد بهشت می‌شود. قسم به کسی که جانم در دست او است، عمل هیچ بنده‌ای، جز با معرفت حق ما، به حال او سودی ندارد.»^۳

همچنین امام کاظم و امام صادق علیهما السلام می‌فرمایند: «قسم به خدا! آن قدر از گناهکاران شیعیان مان شفاعت کنیم که وقتی دشمنان ما آن را ببینند، بگویند: «فَمَا لَنَا مِنْ شَفِيعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ در نتیجه شفاعت‌گرانی نداریم و نه دوستی نزدیک، و ای کاش که بازگشتی برای ما بود و از مؤمنان می‌شدیم.»^۴ مراد از ایمان در اینجا، هدایت شدن به ولایت ائمه است.

حال این سؤال مطرح می‌شود: آیا این گونه روایات که نقش مهمی برای محبت اهل بیت قائل‌اند، بی‌قید و شرط هستند و امان‌نامه‌ای برای شیعیان به شمار می‌آیند؟

۱. طوسی، محمد بن حسن، امالی، پیشین، ص ۱۱۴: «حُبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُكَفِّرُ الذُّنُوبَ، وَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ.»

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۳: «إِنَّ اللَّهَ لَيَسْتَحْيِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ مِنَ اللَّهِ.»

۳. مفید، محمد بن محمد، امالی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۰: «الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِوَدْدِنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا.»

۴. جمعی از نویسندگان، الأصول الستة عشر، قم: مؤسسه دار الحدیث الثقافیه، ۱۴۲۳ق، ص ۱۵۳. «وَاللَّهِ لَتُشْفَعَنَ

واقعیت این است که در مقابل این روایات، احادیث متعددی وجود دارد که بر نقش عمل در نجات تأکید دارد و اوصافی چند را برای شیعیان برشمرده است. بنابراین، باید مجموع روایات را در نظر گرفت تا قلمرو واقعی روایاتِ عام و مطلق معلوم شود و احیاناً اگر تعارضی بین آنها و دیگر آیات و روایات به نظر می‌رسد، برطرف گردد. با توجه به اینکه روایات مربوط به «عمل»، از پشتوانه محکم آیات قرآنی نیز برخوردار است، در ابتدا به جایگاه عمل از نظر قرآن می‌پردازیم و پس از آن، روایات مورد نظر را ارائه خواهیم کرد.

اهمیت عمل در قرآن

آیات بسیاری بر جایگاه عمل و رعایت تقوا تأکید دارند؛ از جمله:

۱. آیاتی که در آنها از عمل به «کسب» تعبیر شده و انسان، مسئول عمل خود دانسته شده است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ؛^۱ هر کسی در گرو دستاورد خویش است.» پس، از آنجا که عمل‌کننده در گرو عمل خود و تابع تأثیر آن است، عمل سبب سعادت یا شقاوت او خواهد شد.

۲. آیاتی که برخی سعادت‌ها یا مصیبت‌های دنیوی را نتیجه عمل انسان می‌داند: «و هر گونه مصیبتی به شما برسد، به سبب دستاورد خود شما است و خدا از بسیاری در می‌گذرد.»^۲ و یا در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «و چه بسیار شهرها که از پروردگارشان پیامبرانش سرپیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی بس زشت عذاب کردیم تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند و پایان کارشان، زیان بود.»^۳

علامه طباطبایی^۴ در خصوص این گونه آیات می‌گوید: «بعضی حوادث عالم به دنبال برخی اعمال واقع می‌شود. وقتی انسان خدا را اطاعت کند و در پی رضایت او باشد، خیر و برکت نازل می‌شود و زمانی که انسان از مسیر عبودیت خارج شود و به تباهی و گمراهی بیفتد و نیت پلید داشته باشد، موجب ظهور فساد می‌شود و گسترده شدن ظلم

۱. همان.

۲. سوره شوری، آیه ۳۰: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ»

۳. سوره طلاق، آیه ۸-۱۰؛ رک: سوره اعراف، آیه ۹۶ و سوره نحل، آیه ۱۱۲: «وَكَايْنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكَرًا فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا.»

نیز باعث هلاکت امت‌ها، از بین رفتن امنیت و بروز جنگ‌ها، مصیبت‌ها و حوادث ناگهانی، مثل: سیل، زلزله، صاعقه، طوفان و مانند آن می‌شود.^۱

۳. آیاتی که تأکید دارند اعمال، محفوظ و مکتوب هستند و به‌نوعی تجسم اعمال از آنها فهمیده می‌شود: «روزی که هر کسی کار نیکی را که به جای آورده و بدی‌ای را که مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد.»^۲

«و کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می‌شود. آنگاه بزهکاران را از آنچه در آن است، بیمناک می‌بینی و می‌گویند: ای وای بر ما، این چه نامه‌ای است که هیچ کار کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته؛ جز اینکه همه را به حساب آورده است! و آنچه را انجام داده‌اند، حاضر یابند.»^۳ «در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود می‌بلعند و به‌زودی در آتشی فروزان در آیند.»^۴

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هیچ کار خوبی را که انجام می‌دهی، کوچک مشمار؛ به‌درستی که آن را خواهی دید؛ به گونه‌ای که تو را خشنود می‌سازد و هیچ گناهی را که انجام می‌دهی، کوچک مشمار؛ به‌درستی که آن را خواهی دید؛ به گونه‌ای که تو را ناراحت می‌سازد.»^۵

قمی و عیاشی در تفاسیرشان، کلینی در کافی و مفید در امالی، با سندهای خویش از سوید بن غفله از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده‌اند که: «آن هنگام که آخرین روز حیات و اولین روز فرجام انسان فرا می‌رسد، همسر، مال، فرزند و عمل وی در مقابلش مجسم می‌گردند. در این حال... رو به عملش کند و گوید: به خدا قسم از تو روگردان بوده، تو را بر خود دشوار و سنگین می‌یافتم. پس بگوی که چه چیز از من نزد توست؟ عملش جواب دهد: من با تو در قبر و در روز رستاخیز، قرین و همدم خواهم بود تا

۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۱۸۱.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۰: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا».

۳. سوره کهف، آیه ۴۸؛ رک: سوره اسراء، آیه ۱۳؛ سوره زلزال، آیه ۸: «وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا».

۴. سوره نساء، آیه ۱۰: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا».

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۹: «لَا تَسْتَصْغِرَنَّ حَسَنَةً تَعْمَلُهَا فَإِنَّكَ تَرَاهَا حَيْثُ تَسْرُكُ وَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ سَيِّئَةً تَعْمَلُ بِهَا».

اینکه بر پروردگارت عرضه گردیم. حال اگر از اولیای خدا باشد، کسی که خوش‌چهره‌ترین و خوشبوترین افراد است، نزد او آید و به او گوید: بشارت باد تو را به آسایش از هر هم و غم، و به رزقی از ارزاق بهشتی و... آن ولی خدا پرسد: تو کیستی؟ پاسخ دهد: من عمل صالح توام...^۱ در روایت دیگری آمده: «عمل صالح به بهشت می‌رود و آنجا را برای صاحبش آماده می‌کند؛ همان‌گونه که مرد غلامش را بفرستد تا جایی را برای او آماده کند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ»^۲

التزام عملی شیعیان در روایات

در مقابل روایاتی که به طور مطلق اعتقاد به ولایت را عامل نجات می‌داند، احادیث دیگری وجود دارد که شیعیان را به رعایت تقوا و انجام عمل صالح توصیه می‌کند و در واقع، روایات مربوط به ولایت را مقید می‌سازد. شایان ذکر است که روایات مربوط به ولایت اگر به طور مطلق لحاظ شود، با سیاق کلی آیات و نیز برخی روایات که بر عمل تأکید دارد، سازگاری ندارد. همان‌طور که آیات بسیاری بر اهمیت عمل تأکید دارند، روایات فراوانی نیز بر اهمیت و نقش عمل تأکید می‌ورزند. در برخی از این روایات، از عمل صالح به عنوان یکی از ارکان ایمان نام برده شده است: «الایمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالأركان»^۳ حتی در برخی روایات آمده: «الایمان لا یكون إلا بعمل»^۴ در اینجا نمی‌خواهیم این دسته از روایات را به تفصیل مطرح کنیم؛ بلکه تنها به سراغ احادیثی می‌رویم که در خصوص بحث ولایت بر عمل تأکید می‌کنند. این روایات، به چند صورت بیان شده‌اند:

۱. روایاتی که کاملاً بر عمل تأکید می‌کنند و تصریح دارند که نسبت و خویشاوندی با اولیاء الله، در نجات انسان نقشی ندارد؛ از جمله: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به فرزندان عبدالمطلب فرمود: «اعمال‌تان را برای من بیاورید، نه رابطه‌ها و نسب‌های‌تان را.» خدای تبارک و

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۳، کتاب الجنائز، ص ۲۳۱-۲۳۳؛ طباطبایی، محمدحسین، انسان از آغاز تا انجام،

انتشارات الزهراء، ۱۳۷۱ش، ص ۸۰.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۹۶، ص ۱۸۵.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۲۲۷.

۴. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۳۸.

تعالی می فرماید: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ». پس آنگاه که در صور دمیده شود [دیگر] میان شان نسبت خویشاوندی وجود ندارد و از [حال] یکدیگر نمی پرسند، پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد ایشان رستگارانند و کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سبک باشد آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم می مانند.^۱

طاووس یمانی نقل می کند که شبی حضرت علی بن حسین علیه السلام را در حال طواف و عبادت و گریه و زاری مشاهده کردم و به حضرت گفتم: «ما باید چنین زاری کنیم که گناهکاریم. پدر تو حسین، و مادر تو فاطمه، و جد تو رسول خدا است. حضرت فرمود: نه، نه، ای طاووس! سخن از نسب را کنار بگذار. خدا بهشت را برای کسی آفریده است که مطیع و نیکوکار باشد؛ هرچند غلامی سیاه چهره باشد و آتش را برای کسی آفریده است که نافرمانی کند؛ هرچند از قریش باشد. آیا سخن خدای را نشنیده ای: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ...». قسم به خدا، روز قیامت چیزی به تو سود نرساند؛ جز عمل صالحی که از پیش بفرستی.^۲

در روایتی، هروی از امام رضا علیه السلام و او از پدرش نقل می کند که: «اسماعیل به امام صادق علیه السلام گفت: ای پدر، در باره گناهکاران ما و دیگران چه می گویی؟ حضرت این آیه را تلاوت کردند: «لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ [پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست هر کس بدی کند در برابر آن کیفر می بیند.»^۳

۲. روایات دیگری در این زمینه وجود دارد که اوصاف شیعیان را بر می شمارد و تأکید می کند که ولایت، بدون عمل صالح، معنا ندارد. شیعه و محب واقعی، کسی است که اهل اطاعت باشد. محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «آرای

۱. سوره مؤمنون، آیه ۱۰۱-۱۰۳.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۶، ص ۸۱-۸۲.

۳. همان، ج ۹۶، ص ۲۲۱.

گوناگون، شما را این طرف و آن طرف نبرد؛ به خدا سوگند، تنها کسانی از شیعیان ما هستند که خدای بلندمرتبه را اطاعت کنند.^۱

همچنین جابر گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، او را همین کفایت می‌نماید که از محبت ما خانواده دم زند؟ به خدا سوگند! شیعه ما نیست؛ مگر کسی که از خدا پروا و اطاعت نماید. ای جابر! ایشان شناخته نشوند؛ جز با فروتنی، خشوع، امانت، کثرت یاد خدا، روزه، نیکی به پدر و مادر، مراعات همسایگان فقیر و مستمند و بدهکاران و یتیمان، راستی گفتار، تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از مردم، جز در مورد خوبی آنها و اینکه امانت‌دار فامیل خویش باشند... آیا برای مرد کافی است همین که بگوید من علی را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم و با وجود این، عمل دینی انجام ندهد؟ هر گاه بگوید من رسول خدا را دوست دارم، اما از رفتار او پیروی نکند و به سنتش عمل ننماید، محبتش به پیغمبر هیچ سودی به او نرساند. پس از خدا پروا کنید و برای آنچه نزد خدا است، عمل کنید. خدا با هیچ کس خویشاوندی ندارد. محبوب‌ترین بندگان خدای بلندمرتبه، با تقواترین و مطیع‌ترین آنها است. ای جابر! به خدا سوگند، جز با اطاعت، به خدای تبارک و تعالی نتوان تقرب جست. همراه ما برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ کس در برابر خدا حجتی ندارد. هر که مطیع خدا باشد، دوست ما است و هر که نافرمانی خدا کند، دشمن ما می‌باشد. ولایت ما، جز با عمل کردن به ورع به دست نیاید.»^۲

امام باقر علیه السلام در ذیل روایتی که می‌فرماید: «به خدا سوگند، ما از جانب خدا براتی نداریم»، تأکید می‌کند که: «وای بر شما! مبادا فریفته شوید، وای بر شما! مبادا فریفته شوید.»^۳ امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «شیعیان ما، کسانی‌اند که از کارهای ما و از تمام اوامر و نواهی ما پیروی کنند. فقط آنان شیعیان ما هستند؛ اما کسی که در بسیاری

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۷۳: «لَا تَذْهَبُ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ، فَوَاللَّهِ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.»
۲. همان، ص ۷۵: «فَوَاللَّهِ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ.»
۳. همان، ج ۳، ص ۱۹۳: «... وَاللَّهِ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ وَلَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ... وَيَحْكُمُ لَانْتَعُرُوا، وَيَحْكُمُ لَانْتَعُرُوا.»

از آنچه خدا بر او واجب گردانیده، ما را مخالفت کند، از شیعیان ما نیست.»^۱ بنا بر برخی روایات، کسی که مرتکب گناه شود، شیعه به شمار نمی‌آید و فقط محب یا علاقه‌مند به ولایت نامیده می‌شود. در روایت آمده است: به امیر مؤمنان علیه السلام می‌گویند: فلانی، غرق در گناهان هلاکت‌آفرین است و در عین حال، ادعا دارد که از شیعیان شما است. حضرت شیعه بودن آن شخص را تکذیب کرده، می‌فرماید: «او دوست‌دار ما است؛ نه از شیعیان ما.»^۲ گرچه از برخی روایات دیگر فهمیده می‌شود، کسی که غرق گناه است، به واقع، نمی‌تواند دوست‌دار حقیقی باشد؛ زیرا محب واقعی، مرتکب گناه نمی‌شود. در شعری منسوب به امام صادق علیه السلام آمده است: «خدا را معصیت می‌کنی، در حالی که مدعی محبت او هستی؛ به جانم قسم که این کاری است ناپسند. اگر محبت تو راستین بود، او را اطاعت می‌کردی. به‌درستی که محب از محبوب خود اطاعت می‌کند.»^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... من به نجات کسانی از این امت که حق ما را بشناسند، امیدوارم؛ جز یکی از این سه گروه: همدم سلطان ظالم، کسی که دارای هوی و هوس است، و آن که آشکارا گناه می‌کند.» سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ.»^۴ بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوست‌تان بدارد و گناهان شما را بر شما بیخشاید و خداوند آمرزنده مهربان است.^۵ امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می‌کند که فرمود: «ای پسر من! اگر عمل تو بر خلاف عمل من باشد، در روز قیامت همراه من نخواهی بود. سپس فرمود: کسانی که

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۶۵، ص ۱۶۲: «إِنَّ شِيعَتَنَا هُمُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ آثَارَنَا وَيَطِيعُونَنَا فِي جَمِيعِ أَوْامِرِنَا وَنَوَاهِينَا.»

۲. همان، ج ۶۸، ص ۱۵۵.

۳. همان، ج ۴۷، ص ۲۴؛ همان، ج ۷۰، ص ۱۵؛ همان، ج ۷۸، ص ۱۷۴: «تَعْصِي الْأَيْلَةَ وَ أَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ - هَذَا مُخَالَ فِي الْفِعَالِ بَدِيعٌ لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ - إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ.»

۴. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۵. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۸، ص ۱۲۸: «... إِنْ لَأَرْجُو النَّجَاةَ لِمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا لَأَحْدَرُ ثَلَاثَةً... الْفَاسِقِ الْمَغْلَبِ.»

مدعی دوستی کسانی باشند، حال آنکه در عمل با آنها مخالفت می‌کنند، به خدا سوگند که خدای بلندمرتبه در روز قیامت آنها را در یک جایگاه قرار نخواهد داد.^۱ محب باید به محبوب خود اقتدا کند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در نامه‌اش به عثمان بن حنیف می‌نویسد: «آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که در پی وی درآید و از نور دانش او روشنی جوید و بدان که پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده بسنده کرده است و دو قرص نان را خوردنی خویش نموده. بدانید که شما را توان چنین کاری نیست؛ اما مرا یاری کنید، با پارسایی و تلاش [در راه صلاح و سداد] و پاکدامنی و کار بی‌عیب.»^۲

۳. دسته دیگری از روایات تصریح می‌کنند که مؤمنان و شیعیان گناهکار، سرانجام به بهشت می‌روند؛ اما سزا و مجازات گناهان خود را خواهند دید و این تا زمانی است که از گناهان‌شان تطهیر شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای گروه شیعه، از خدا بترسید. به درستی که بهشت از آن شما است؛ هر چند اعمال زشت، رسیدن شما به آن را با تأخیر مواجه سازد. پس برای درجات آن بکوشید. گفته شد: آیا کسی از محبان تو و محبان علی علیه السلام به جهنم می‌رود؟ پیامبر فرمود: کسی که با مخالفت محمد و علی، خود را آلوده کند و مرتکب محرمات شود و به مردان و زنان مؤمن ظلم کند و از راه‌هایی که برای او ترسیم شده، روی گرداند، روز قیامت آلوده و ناپاک وارد می‌شود. محمد و علی به او می‌گویند: فلانی، تو آلوده‌ای و لیاقت هم‌نشینی با رهبران شایسته خود و هم‌آغوشی با حوریه‌های زیبا و ملائکه مقرب را نداری. به آنجا نمی‌روی؛ مگر اینکه از آنچه در اینجا کرده‌ای، یعنی از گناهانت پاک شوی. پس داخل طبقه اول جهنم می‌شود و به جهت برخی گناهانش عذاب می‌شود. بعضی از آنان به موجب برخی گناهان‌شان در روز محشر به سختی‌هایی دچار می‌شوند... بعضی از آنان که گناهان‌شان کمتر و سبک‌تر است، در دنیا به سختی‌ها و مصیبت‌هایی دچار می‌شوند تا در قبر، پاک و پاکیزه دفن شوند و بعضی مرگ‌شان نزدیک می‌شود؛ حال آنکه برخی از گناهان‌شان هنوز باقی

۱. همان، ص ۲۵۴. عن ابی عبدالله علیه السلام: «أَنَّ أَبَاهُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّكَ إِنْ خَالَفتَنِي فِي الْعَمَلِ لَمْ تَنْزِلْ مَعِيَ غَدَاً فِي الْمَنْزِلِ ثُمَّ قَالَ أَيْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَتَوَلَّى قَوْمٌ قَوْمًا يُخَالِفُونَهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ يَنْزِلُونَ مَعَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُلًّا وَرَبَّ الْكَعْبَةِ.»

۲. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ش، نامه ۴۵، ص ۳۱۷. «أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ... أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفَّةٍ وَ سَدَادٍ.»

مانده است. پس جان کندن آنها به سختی صورت می‌گیرد و بدین وسیله، پاک می‌شوند... گناهان‌شان اگر بزرگ‌تر و بیشتر باشد، با سختی‌های روز قیامت پاک می‌شود و اگر باز هم بزرگ‌تر و بیشتر باشد، در طبقه اول جهنم پاک می‌شود. میان محبان ما، این دسته بیشترین گناه و شدیدترین عذاب را دارند. آنان شیعه ما نامیده نمی‌شوند؛ بلکه دوست‌دار ما و دوستان اولیای ما و دشمنان دشمن ما نامیده می‌شوند. همانا شیعیان ما کسانی‌اند که از ما پیروی کنند و کارهای ما را دنبال کنند و به اعمال ما اقتدا کنند.»^۱

جمع‌بندی

همان‌طور که مشاهده شد، از یک سو روایاتی داریم که «محببت علی بن ابی‌طالب علیه السلام، حسنه‌ای است که هیچ گناهی به آن ضرر نمی‌رساند.» و از سوی دیگر، برخی روایات اوصافی را برای شیعه بر می‌شمارند که اگر به ظاهر روایت اخذ شود، باید بسیاری از شیعیان را از زمره تشیع خارج دانست؛ مانند این روایت امام صادق علیه السلام که فرموده: «فقط کسی از شیعیان ما است که ورع او در حدی باشد که حتی زن‌های پشت پرده از آن سخن بگویند و دوست ما نیست کسی که در شهری که ده هزار نفر در آن ساکن است، پرهیزکارتر از او وجود داشته باشد.»^۲

روشن است که باید برای هر دو روایت، یک وجه جمع در نظر بگیریم. درست است که برخی روایات، کمال مطلوب شیعه بودن را خواستار شده، اما تبعیت از ائمه اطهار علیهم السلام در انجام اوامر الهی و پرهیز از محرمات، حداقل انتظاری است که از شیعیان خواسته می‌شود. یک شیعه واقعی، باید در این راه قدم بردارد و بکوشد. بنابراین، گرچه زمینه صدور روایات متفاوت است، اما باید توجه داشته باشیم که وقتی این دو دسته روایات را در کنار هم قرار دهیم، ناگزیر باید از اطلاق آنها دست برداریم. از یک سو، روایات مربوط به عمل که از پشتوانه آیات قرآنی نیز برخوردار است، روایات مربوط به ولایت را تخصیص می‌زنند یا مقید می‌کنند. از سوی دیگر، روایاتی را که بیانگر

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۶۵، ص ۱۵۴: «... إِنَّ شِيعَتَنَا مِنْ شِيعَتِنَا وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ افْتَدَى بِأَعْمَالِنَا.»

۲. ر.ک: کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۷۹.

اوصاف شیعه هستند، بر بیان و معرفی شیعیان کامل حمل می‌کنیم و روایاتی را که از آمرزش گناهان شیعه و نیاز ایشان به شفاعت سخن به میان می‌آورد، بر شیعیان ناقص حمل می‌نماییم.^۱

در واقع، روایات مربوط به ولایت، در صدد تشویق و ترغیب تمسک به ولایت و محبت ائمه اطهار علیهم‌السلام به عنوان ریسمان محکم الهی است تا از راه این تمسک، پیروان ولایت در مسیر هدایت قرار بگیرند؛ زیرا ولایت راه شناخت حقایق دینی و معارف رحمانی است. در پایان حدیث صحیح زراره از امام صادق علیه‌السلام که پنج رکن را برای اسلام بر می‌شمرد، آمده است: «ولایت، برتر از همه آنها است؛ زیرا ولایت، کلید آنها است. و نیز راهنما و دلیل بر آنها است.»^۲ اینکه این همه بر محبت ائمه و اولیای حق تأکید شده، برای آن است که دوست‌داران آنان با تشبّه و اقتدا به ایشان، متخلق به اخلاق الهی شوند. محبت، نقش مهمی در تربیت دینی دارد؛ همان طور که محبت علی علیه‌السلام، نقشی اساسی در تاریخ اسلام داشته است. استقامت و پایداری محبان علی علیه‌السلام همچون: ابوذر غفاری، حجر بن عدی و مانند آنها، شاهد این گفته است.

باید توجه داشت که اگر برای معتقدان به ولایت و محبان اهل بیت علیهم‌السلام فضایی بیان گردیده و به آنها بشارتی داده می‌شود، منظور کسانی‌اند که واقعاً به ولایت اعتقاد داشته و شیعه و محب واقعی باشند. معلوم است که شیعه و محب واقعی، به مولای خود اقتدا می‌کند و مرتکب گناه نمی‌شود. در واقع، ولایت آن است که شخص مؤمن، با ولی خود یکی شود. انسان در صورتی می‌تواند ادعا کند که با ولی پیوند خاصی یافته و متحد شده است که خود را هم عقیده و هم مسلک مولای خویش کرده باشد. در این صورت، امکان ندارد که مرتکب گناه شود. این دل‌بستگی و محبت، باید در حدی باشد که انسان را از دل‌بستگی‌های دنیوی جدا کرده، به عالم بالا رهنمون شود. کسی که با پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام همراه و همدل شود، عبادت در کامش شیرین و گناه در نزدش تلخ خواهد شد.

۱. رک: قطیفی، شیخ ابراهیم، الفرقه الناجیه، بی‌نا، ص ۲۶۷.

۲. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۳، ص ۵۴: «... الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ؛ لِأَنَّهَا مُفْتَاخُهُنَّ، وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ».

همچنین، باید در فهم و تفسیر این نوع روایات دقت ویژه‌ای داشته باشیم؛ به عنوان نمونه، این روایت که فرموده: «محبّت علی بن ابی‌طالب، حسنه‌ای است که هیچ گناهی به آن ضرر نمی‌رساند»، معنایش این است که «محبّت علی علیه‌السلام، نوعی محبّت عقلانی است؛ زیرا آن حضرت دارای فضایل حقیقی است و محبت به او، به محبت به آن حقایق و فضایل بر می‌گردد و کسی که چنین محبتی داشته باشد، با عمل به آن فضایل به سعادت می‌رسد و به این ترتیب، هیچ گناهی به او ضرر نمی‌رساند.^۱ اگر محبت علی علیه‌السلام که نمونه کامل انسانیت و طاعت و عبودیت و اخلاق است، از روی صدق باشد، نه از روی تظاهر، مانع ارتکاب گناه می‌شود؛ مانند پادزهری که مصونیت ایجاد کرده، مانع نفوذ یا غلبه عامل بیماری در شخص واکسینه‌شده می‌گردد. محبت پیشوایی مانند علی علیه‌السلام که تجسّم عمل و تقوا است، آدمی را شیفته رفتار علی علیه‌السلام نموده و فکر گناه را از سر او بیرون می‌کند. پس معنای روایت آن نیست که جاهلان پنداشته و گفته‌اند که محبت علی علیه‌السلام چیزی است که با وجود آن، هیچ گناهی تأثیر منفی در فرد ندارد؛^۲ بلکه به معنای آن است که با داشتن چنین محبوبی، انسان به گمراهی نمی‌افتد. خلاصه آنکه اگر کسی خویشتن را شیعه می‌داند و به شفاعت امید دارد، باید خود نیز در این مسیر گامی بردارد تا مستحق دریافت عنایت شفاعت‌کننده قرار بگیرد. کلمه شفاعت، از ماده «شفع» گرفته شده و مراد از شفیع، این است که دو چیز با هم جفت شوند. در اینجا نیز فرد مؤمن باید یک ارتباط اخلاقی با ائمه داشته و نوری به دست آورده باشد تا به انضمام نور ولایت آنها، شفاعت تحقق پیدا کند؛^۳ به عبارت دیگر، پذیرش ولایت، به عنوان شرط لازم است و به‌تنهایی کافی نیست.

نکته پایانی اینکه به نظر می‌رسد لحن دوگانه‌ای که در روایات دیدیم، به منظور ایجاد نوعی حالت خوف و رجا در مؤمنان است که از یک سو، نسبت به قبولی اعمال از طرف خدا و مقبولیت داشتن نزد اولیای الهی ترسان باشند و از سوی دیگر، به رحمت ربوبی و شفاعت اولیای حق امیدوار باشند.

۱. رفیعی قزوینی، سید ابوالحسن، غوصی در بحر معرفت، انتشارات اسلام، ۱۳۷۶ش، ص ۲۸۱.

۲. ر.ک: مطهری، مرتضی، عدل الهی، پیشین، ص ۳۳۱-۳۳۲.

۳. ر.ک: تقریرات فلسفه امام خمینی، به کوشش عبدالغنی اردبیلی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ش، ج ۳، ص ۶۰۸.